

### سخن بزرگان

## در طبیعت و اخلاق انسان هیچ ضعف و انحرافی نیست که با آموزش مناسب درست نشود.

فرانسیس بیکن

### زنگ انشا



### چرا زنگ انشا؟

#### هدایت باقری، مسئول صفحه «زنگ انشا»

دوم متوسطه تدریس می‌شود. ماهه اندوه است که درس انشای سال دوازدهم در بیشتر مدارس زیر سایه شوم کنکور، در محاق ابر رفته و با تازیانه‌های مراسم تست‌زنی و... دوباره به کما رفته و دوران مدهوشی مجدد خود را می‌گذراند و اگر از زیر قیچی ارباب زور، جان سالم به در برده؛ شاید سر از ریکواری درآورد و دوران نفاقت را پشت سر گذارد و دوباره علی‌رغم اعدا والחסادین، قبراگ گردد تردماغی کند. ان‌شاءالله.

حالا چرا من و امثال من که بحمدالله کم هم نیستیم اما هر چه هستیم متأسفانه، اقلیتی نازل و شکننده و پراکنده‌ایم؛ خلاف جریان آب شنا می‌کنیم و در برابر این سونامی که خواسته یا ناخواسته، قلم‌ها و زبان‌های

از سال گذشته که صدای زنگ انشای ما در روزنامه‌ها نیز شنیده و دیده شد، بارها از زبان و قلم من، درباره انگیزه راه‌اندازی زنگ انشا در جراید، شنیده و دیده‌اید. در بیش از سه دهه گذشته، در برنامه هفتگی مدارس غایب درشت و بزرگی وجود داشت به نام زنگ انشا؛ زیرا درس و ساعت انشا به کلی حذف شده بود. این خلأ برای دبیران متعدد ادبیات فارسی، به‌ویژه آن‌ها که سرسوزن ذوقی داشتند؛ بسیار تلخ و مخوف و آزاردهنده می‌نمود.

صدای گلاب‌ها در محافل و کنگره‌های فرهنگی و ادبی، گاهی تبدیل به اعتراض و پرخواش می‌شد. تا این که زعمای قوم، تسلیم آرای اولیای دانش‌آموزان و دبیران شدند و اکنون سه سال است که درس انشا در دوره

نوجوانان دبیرستانی را در هم می‌شکنند، مقاومت می‌کنیم. برای توجیه این مقاومت دلایلی وجود دارد که به آوردن شماری از آن‌ها بسنده می‌کنم. ۱. اگر تاکنون توانسته‌ام که چندین کتاب و ده‌ها مقاله و هزاران شعر را به چاپ برسانم و در کنگره‌ها و اجلاس‌های علمی و ادبی و پژوهشی با دست پر، حاضر شوم؛ همه این خدمات را سخت مدیون زنگ انشایی می‌دانم که در مدارس گوش جانم را نوازش می‌داد. خدا می‌داند؛ شبی که فردای آن انشا داشتم؛ از شدت هیجان خواب نداشتم. اعضای خانه به‌سادگی می‌توانستند؛ یقین کنند که من فردا در مدرسه درس انشا دارم. ۲. وقتی که سری به اندرون زندگی نویسنده‌گان بزرگ ایران و جهان می‌زنیم؛

خوشبختانه چند سالی است که سازمان‌های بین‌المللی با همکاری بسیاری از کشورها دست‌به‌کارهایی زده‌اند که از حقوق این کودکان دفاع کنند و نگذارند که گروهی سودجوی بی‌رحم، آنان را مورد تمسخر و آزار و اذیت قرار دهند. بعضی از این کودکان در سنین بسیار پایین، مسئولیت اداره یک خانواده را به دوش می‌کشند. این خانواده‌ها اغلب خانواده‌هایی هستند که پدر خانواده یا فوت کرده است و یا دارای اعتیاد بسیار شدیدی است. ولی استثنائیه هم در این کودکان کار وجود دارد و آن این است که بعضی از این کودکان بر اثر طلاق پدر و مادرهایشان به این روز افتاده‌اند. به این گروه می‌توان کودکان طلاق هم گفت. عده‌ای از این گروه حاضر نمی‌شوند با هیچ‌یک از والدین‌شان، زندگی کنند. شاید هم والدین‌شان در اثر بی‌سروسامانی و انحراف از مسیر انسانیت، فرزندانشان را از خود رانده‌اند. ما مردم جهان باید بکوشیم بدان امید که روزی بیاید که دیگر هیچ کودکی بدون پدر و مادر زندگی نکند و یا برای تأمین مخارج خود و تحصیل مجبور به کار نشود.



می‌بینیم که همگی از انشای دوران تحصیل به نیکی یاد کرده‌اند و گفته‌اند که کلاس انشای مدرسه برای ما در حکم سکوی پرتاب و پله پرش بود. پیش‌تر این خداوندان قلم، از جمله: نیما یوشیج، دکتر اسلامی ندوشن، پروین اعتصامی، طه حسین، تاکور و... در هنر نویسندگی و شاعری، خود را وادار زنگ انشا می‌دانند و به‌شدت تحت تأثیر آموزه‌های ادبی مکتب‌خانه‌ها و مدارس عصر خودند. ۳. کشورهایی که نردبان ترقی را به‌سرعت بیشتری پیموده‌اند و در تعالی تمدن و فرهنگ جامعه بشری، گام‌های فراخ‌تری برداشته‌اند؛ نویسندگان فرادست و خجسته‌تری داشته‌اند. گویی راز سربلندی مردم این کشورها در نوری نهفته است که از جوهر خامه به دستانت تراوش و تابش دارد. ۴. مرا گمان بر آن است که از میان این نویسندگان نوجوان و جوان، پس از الفی، الف‌قادی برآید. ستون‌های ستوار اصلاحات بنیادین و

ماندگار هر ملتی در کلاس درس برافراشته می‌شود. ستون‌هایی که آجرش قلم و ملاتش جوهر و نمای ظاهرش، دفتر مشق و تحقیق و نواوگان باشد. اگر ملتی در خیابان با شعار و گلوه و پرخاش و ناسزا، به دگرگونی و دگرذیسی نائل شود، یا کاذب است و یا ناپایدار و یا تأمین‌کننده منافع افرونگ و اغیار. تنها اصلاحاتی شیرین و جاودان هستند که جرعه آن‌ها در کلاس‌های درس مدارس و دانشگاه‌ها زده شود. چه جرعه‌ای پرفروغ‌تر و خوش‌نمودتر از زنگ انشا که دانش‌آموز آزادانه و آگاهانه و در کمال شهامت و ناپروایی، از کاستی‌ها بگوید و راهکار بدهد و راستی‌ها را بستاند و گزرویی‌ها را بنبکوهد. ۵. زنگ انشا، دانش‌آموز را به مطالعه کتب غیردرسی، تشویق و ترغیب می‌کند و گاهی مطالعه یک کتاب یا مقاله و حتی یک بیت، انقلابی در نهادش پدید می‌آید که برای خود و اطرافیان فرجامی خوش و مبارک خواهد داشت. شوربختانه در کشور

ما عقربه ساعت مطالعه، یا در جا می‌زند و یا روزبه‌روز به سمت صفر میل می‌کند. زنگ انشا تلنگری است بر پلک خفته و خسته دانش‌آموز تا با مطالعه کتاب یا شعری جدید، حرفی برای گفتن داشته باشد و...

### مادر

#### سید ارسلان لقمانی، دبیرستان هوشمند امام رضا (ع)، پایه هفتم

کم نگذاشتی. حتی اگر برایت سخت بود. زمانی که کودک بودم مرا تربیت نمودی. لباس‌هایم را تم می‌کردی و همه‌جا در کنارم بودی. زمانی که ناراحت بودم و گریه می‌کردم، تو همدم من بودی؛ مشکلات مرا حل می‌کردی و با صحبت‌هایت به من دلگرمی و اعتمادبه‌نفس می‌دادی. جمله زیبایی سر زبان‌هاست که می‌گویند: پدر تاج سر است و مادر، سلطان غم. همیشه برای من دعا می‌کردی و همواره برای سعادت من، دستت به آسمان بلند است. یقین دارم که با دعاهايت روزم را نورانی خواهی کرد. محبت‌هایت آن‌قدر زیاد است که نمی‌دانم چطور از تو تشکر کنم. اصلاً مگر می‌شود محبت‌هایت را جبران کرد یا فراموش نمود؟ مهر تو بی‌منت‌ترین مهر عالم است. مقامت در این دنیا و جهان آخرت والاست تا آنجا که حضرت محمد (ص) می‌فرمایند: [بهشت، زیر پای مادران است]. ما فرزندان نیز وظایفی داریم: یکی اینکه حرمت مادر را نگاه داریم و هرگاه اشتباهی از ما سر زد؛ حداقل از او طلب بخشش کنیم و نیکی به پدر و مادر را فراموش نکنیم؛ زیرا خدا در قرآن کریم می‌فرماید: [وبالوالدین احسانا، به پدر و مادر خود نیکی کنید]. باید زمانی که مادر نیاز به کمک و یاری دارد؛ به او کمک کنیم. شاید بتوانیم گوشه کوچکی از محبت‌های او را جبران کنیم. خدا نکند که کسی در زمان پیری پدر و مادر، به آنان پشت و محبت‌هایشان را فراموش کند. دیگر این که همیشه برای سلامتی و عاقبت‌به‌خیری آنان دعا کنیم. مادرم، جان دلم، عاشق روی تو منم گر بروی با تو روم دق می‌کنم تنها شوم امیدوارم مادرانمان از ما راضی باشند. از شما که انشای مرا خواندید خواهش می‌کنم که برای سلامتی و شادی مادر دعا کنید.



سید ارسلان لقمانی  
دبیرستان هوشمند امام رضا (ع) پایه هفتم

مادر! ای فرشته زمینی! تو در دنیا برای من بهترینی. در ابتدا مرا در دل‌وجان خود پروراندی و خون خود را در رگ‌های من جاری کردی. مادر! تو نگذاشتی چیزی مرا غمگین کند و هیچ‌چیزی برای من

### ارزشیابی شتاب‌زده

#### محمدعلی رضانی، پایه ۱۱، مجتمع غیردولتی امام رضا (ع) ناحیه ۱

علی! علی پسر عباس آقا، بقال محل. گفتم که فقط یک دوست داشت چون همه از او بدشان می‌آمد. چرا بدشان می‌آمد؟ چون در شبی که مغازه عباس آقا را خالی کردند، تنها او را در آن حوالی دیده بودند. همه گمان می‌کردند که او در حال کشیک دادن برای زده‌ها بوده است. فقط علی حرف او را باور داشت که می‌گفت بی‌گناه بوده است! علی چشمش به یونس می‌افتد و می‌گوید: سلام یونس چه خبر؟ سلام علی جون. سلامتی خبری نیست. خب خدا رو شکر. میای بازی؟ بچه‌ها راضی می‌شن؟ تو نگران اونا نباش. من حلش می‌کنم. ولی فعلاً تا آخر این دور بازی، برو سر کوچه که آگه توپ رفت اونجا، تو زحمت بکشی بیاریش. حله داداش. اون با من. بعد از پنج دقیقه، اولین توپ به سمت یونس رفت. ولی بدجایی افتاد. روی قفسه کیک‌های عباس آقا! یونس رفت داخل مغازه که اجازه بگیرد برای برداشتن توپ؛ اما دید که عباس آقا سرش رو گذاشته روی پیشخوان و خوابیده. یونس با خودش می‌گوید: بهتره بذارم



نزدیکی‌های ظهر بود. آسفالت خیابان از شدت گرمای تیرماه نرم شده بود. ولی شما کدام جوان را دیده‌اید که به خاطر گرمای هوا، دست از بازی بردارد؟ همه بچه‌های محل در حال بازی کردن بودند. به‌جز یونس! یونس در یک کلمه یعنی بدشانس‌ترین فرد روی کره زمین! پدر و مادر بزرگ پیرش، تنها زندگی می‌کرد. در محل فقط یک دوست داشت،

#### محمدرضا غلامی، پایه ۹ دوره متوسطه اول، مجتمع هوشمند غیردولتی امام رضا (ع)

### کودکان کار



محمد رضا غلامی  
مدرسه امام رضا شیرواز  
کلاس نهم

برو کار می‌کن مگو چیست کار؟ که سرمایه جاودانی است کار نگر تا که دهقان دانا چه گفت به فرزندان چون همی خواست خفت برخی از کودکان شب‌هایی را با کارتون دیدن به خواب می‌روند و برخی کودکان هم روی کارتن به خواب می‌روند. اکثر ما مردم با این قشر از کودکان کارتن خواب، آشنا هستیم و آن‌ها را «کودکان کار» می‌نامیم. کودکانی که در اصل باید در کوچ‌ها و

خیابان‌ها و پارک‌ها بازی کنند و اوقات فراغت خود را به تفریح در این مکان‌ها سپری کنند. نه اینکه وقت خود را از صبح تا شب و از شب تا صبح در خیابان‌ها با کار کردن برای این و آن، بگذرانند. این کودکان نیز مانند ما حق دارند که تحصیل کنند و به درجات عالی در تحصیل برسند و بخشی از عمر خود را در مدارس و دانشگاه‌ها بگذرانند؛ اما به دلیل ضعف مالی، مجبور هستند که کار کنند و زیر بار ظلم‌های فراوانی بروند. کودکان کار، تنها مخصوص کشور ما نیستند و بلکه در کل کشورهای جهان وجود دارند و بسیاری از دولت‌های جهان می‌کوشند تا آمار این کودکان کار را در کشورهای خود به حداقل برسانند تا به کشوری آباد و بدون فقیر تبدیل شوند. این کودکان در سراسر جهان مورد اجحاف و ستم‌های زیادی قرار می‌گیرند. این کودکان تا چند سال گذشته در سازمان‌های بین‌المللی همانند یونیسف و یونسکو نیز جایگاهی نداشتند و شناخته نمی‌شدند. برای مثال اگر کسی هم آن‌ها را در خیابان‌ها زیر می‌گرفت و یا آن‌ها را می‌زد کسی نبود که از حق‌شان دفاع کند؛ اما

#### ماهان پناهنده، یازدهم ریاضی، مدرسه امام رضا (ع)

### زنگ انشا



ماهان پناهنده کلاس یازدهم ریاضی

از اکثر افراد که می‌پرسید به چه درسی کمتر تمایل دارید، می‌گویند: عربی یا ریاضی یا فارسی؛ اما اگر از من پرسید می‌گویم انشا! به نظر من باید در انشانویسی آزادی بیشتری به دانش‌آموز داده شود. یکی از مواردی که به‌شدت از آن بیزارم تعیین سطر برای انشا است. هر موضوع انشایی ظرفیت نوشتن خاص خودش را دارد. بعضی موضوعات را

می‌توان در چند صفحه ادامه داد. اما بعضی دیگر اگر کوتاه‌تر باشند بسیار زیباتر و دلنشین‌تر هستند. مثال پارز آن را در سریال‌های تلویزیونی می‌توانیم ببینیم. بیشتر سریال‌های موفق و خوب نهایتاً به بیست قسمت می‌رسند. اما سریال‌های ترکیه‌ای تا ۳۰۰ قسمت هم ادامه دارند. حال کدام سریال بهتر است؟ آنکه فیلمنامه‌ی ربط اما طولانی دارد یا آنکه فیلمنامه کوتاه اما زیبا می‌سازد. وقتی کسی با روده‌درازی‌هایش، به حاشیه و جاده خاکی می‌رود؛ با زبان کنایه و تمثیل، به او می‌گویند: چون قافیه تنگ آید شاعر به جنگ آید گاهی هم به زبان فاخر و فخیم برای چنین افرادی، این بیت شعر را می‌خوانند: کم گوی و گزیده گوی چون در تا ز اندک تو جهان شود پر دومین مسئله‌ای که در انشا مرا رنج می‌دهد، تعیین موضوعات احساسی برای انشا است. البته چنین موضوعاتی، شاید برای بعضی افراد که علاقه به نوشته‌های هنری و ادبی و

